

# خلاصه مطالب دستوری

در این بخش تحت عنوان «خلاصه مطالب دستوری» این مباحث را مییابید:

- الف ساختمان جمله
- جمله مرکب متشکل از دو جمله مستقل / جملات متوالی
    - ترکیب جملات با حرف ربط **und**
    - ترکیب جملات با حرف ربط **aber**
    - ترکیب جملات با حرف ربط **sondern** (پس از يك جمله منفی)
  - جمله مرکب متشکل از جمله پایه و جمله پیرو
    - جمله پیرو با حرف ربط **weil**
    - جمله پیرو با حرف ربط **daß**
    - جمله پیرو زمانی که با **als/ bevor** شروع میشود
  - خلاصه مبحث ساختمان جمله های مستقل
    - فعل در مکان دوم جمله
    - فعل در ابتدای جمله
    - جمله محاط در فعل / افعال پیشوندی / جزء پیوندی
    - افعال دارای مفعول بیواسطه و باواسطه
    - سایر مکمل های فعل
    - کلمات توضیحی

## ب اقسام کلمه

- فعل
  - صیغه مستقبل فعل
  - صیغه ماضی مطلق افعال با قاعده
  - صیغه ماضی مطلق افعال معین وصفی
  - صیغه ماضی مطلق افعال بیقاعده
  - افعال دارای حرف اضافه ثابت
- صفت
  - صرف صفت
  - مقایسه صفت با **wie**
  - پسوند سازنده صفت از کلمات دیگر
- ضمیر نامعین (حرف تعریف جانشین ضمیر)
- کلمه پرسش **welch**
- حروف اضافه

## الف ساختمان جمله

- جمله مرکب متشکل از دو جمله مستقل / جملات متوالی  
جملات مستقل را میتوان با واسطه حرف ربط به یکدیگر پیوند داد و از پیوند آنها جمله مرکب ساخت. حرف ربط بین این دو جمله قرار میگیرد.

۱- ترکیب جملات با حرف ربط **und**

حرف ربط **und** برای برشمردن و افزودن وقایع یا جنبه های مختلف يك قضیه به یکدیگر بکار میرود. **und** بین جمله ها قرار میگیرد. اگر بعد از **und** يك جمله کامل بیاید قبل از **und** باید ویرگول (,) گذاشت.

- a) Hier gibt es sehr viel Industrie.  
b) Hier leben sehr viele Menschen.  
Hier gibt es sehr viel Industrie, **und** hier leben sehr viele Menschen.

۲- ترکیب جملات با حرف ربط **aber**

حرف ربط **aber** گویای تضاد بین دو جمله است. قبل از **aber** همیشه باید ویرگول (,) گذاشت.

- a) Früher gab es hier sehr viel Eisenindustrie.  
b) Heute ist das anders.  
Früher gab es hier sehr viel Eisenindustrie, **aber** heute ist das anders.

۳- ترکیب جملات با حرف ربط **sondern** (پس از يك جمله منفی)

حرف ربط **sondern** هم مبین تضاد بین دو جمله است و وقتی بکار میرود که جمله اول يك جمله منفی باشد. قبل از **sondern** همیشه باید ویرگول (,) گذاشت.

- a. Der Himmel ist **nicht** mehr grau.  
b. Der Himmel ist wieder blau.  
Der Himmel ist nicht mehr grau, **sondern** (der Himmel ist) wieder blau.

اگر در دو جمله يك یا چند کلمه مشترک وجود داشته باشد - مانند کلمات *der Himmel* و فعل *ist* در این مثال - میتوان این کلمات مشترک را در جمله دوم حذف نمود.

Der Himmel ist nicht mehr grau, sondern wieder blau.

۲- جمله مرکب متشکل از جمله پایه و جمله پیرو

دسته ای از حروف ربط هستند که چون بر سر جمله ای درآیند آنرا وابسته به جمله اول میکنند. جمله اول را جمله پایه (یا جمله اصلی) و جمله دوم را که مکمل معنی جمله اول است جمله پیرو (جمله فرعی) میخوانند. جمله پیرو بتنهائی نیاید و همیشه احتیاج به جمله پایه دارد چون از نظر معنی

وابسته به آنست. توجه: در جمله پیرو فعل صرف شده همیشه در انتهای جمله قرار میگیرد. معمولاً ابتدا جمله پایه (اصلی) و سپس جمله پیرو (فرعی) میآید. مخصوصاً در مورد جمله های پیرو که با *weil* یا *dass* شروع میشوند. در جمله های پیرو زمانی که با *als* یا *bevor* شروع میشوند معمولاً ابتدا جمله پیرو و متعاقب آن جمله پایه میآید.

#### ۱- جملات پیرو (فرعی) با *weil*

*weil* چون بر سر جمله ای درآید آن را تبدیل به جمله پیرو میکند و گویای علت یا توجیه امری است.

Wir fahren in die Kantstraße. Wir fahren in die Kantstraße, weil wir da schlafen.	Wir schlafen da.
---	------------------

جمله پایه، که جمله پیرو وابسته به آنست حتماً نباید گفته یا نوشته شود. ذکر جمله پایه در محاوره روزمره حتی بر طول و تفصیل جلوه میکند و لذا بکار برده نمیشود.

پرسش *Warum heißt der Bahnhof Zoo so?*

جواب بر طول و تفصیل. *Der Bahnhof Zoo heißt so, weil der Zoo ganz in der Nähe ist.*

جواب عادی و مرسوم. *Weil der Zoo ganz in der Nähe ist.*

#### ۲- جملات پیرو (فرعی) با *daß*

*daß* نیز از حروف ربطی است که جمله را بصورت جمله پیرو در میآورد و پس از يك دسته از افعال میآید که با آنها منظوری یا فکری بیان میشود. جملاتی که در آنها *daß* وجود دارد یا جمله فاعلی هستند یا جمله مفعولی.

جمله فاعلی با *daß* مانند: *Schön, daß Sie hier sind*

جمله مفعولی بیواسطه با *daß* مانند: *Du weißt, daß es Kriege gibt*

از جمله افعالی که در دنبال آنها ممکن است جمله پیرو با *daß* بیاید اینها هستند =

<b>denken, daß ...</b>	Ich denke, daß wir Berlin besichtigen.
<b>wissen, daß ...</b>	Du weißt, daß es Kriege gibt.
<b>es ist schön, daß ...</b>	Schön, daß Sie da sind.

#### ۳- جمله های پیرو زمانی با *als, bevor*

*als* هم چون بر سر جمله ای درآید آنرا تبدیل به جمله پیرو میکند. زمان وقوع فعل در جمله پایه و پیرو یکی است. *als* فقط با صیغه ماضی (ماضی مطلق) افعال بکار میرود. در جمله پیرو فعل در انتهای جمله قرار میگیرد.

جمله پیرو (فرعی) = NS = جمله پایه (اصلی) HS =

HS:	Es gab zwei deutsche Staaten. Bonn war die Hauptstadt der Bundesrepublik Deutschland.
NS:	<b>Als</b> es zwei deutsche Staaten gab,
HS:	war Bonn die Hauptstadt der Bundesrepublik Deutschland.

**bevor** هم در ابتدای جمله پیرو قرار میگیرد. ولی در اینجا زمان وقوع فعل در جمله پیرو پس از زمان وقوع فعل در جمله پایه است. در جمله پیرو فعل در انتهای جمله قرار میگیرد.

HS: Hier war (früher) viel los. Dann war die Mauer da.  
 NS: Bevor die Mauer da war,  
 HS: war hier viel los.

پس در این مثال منظور اینست که ابتدا در اینجا خیلی خبرها و بیابرو بود. بعد دیوار کشیده شد (و انوقت دیگر زیاد خبری نبود).

توضیح تکراری درباره ترکیب جملات با **als, bevor**

الف- در جمله پیرو فعل همیشه در انتهای جمله قرار میگیرد

ب- معمولاً جمله پیرو اول میآید. در اینصورت در جمله پایه فعل در ابتدای جمله قرار میگیرد

جمله پیرو		جمله پایه	
Verb		Verb	
<b>Bevor</b> die Mauer da	war,	war hier viel los.	
<b>Als</b> es zwei deutsche Staaten	gab,	war Bonn die Hauptstadt der BRD.	

ب- اگر جمله پایه اول بیاید تابع قاعده کلی ساختمان جمله خواهد بود یعنی فعل در مکان دوم جمله قرار میگیرد.

جمله پایه		جمله پیرو	
Verb		Verb	
Hier war viel los,		<b>bevor</b> die Mauer da	war.
Bonn war die Hauptstadt der BRD,		<b>als</b> es zwei deutsche Staaten	gab.

ت- زمان وقوع فعل در جمله پایه و جمله پیرو

با **als**: وقوع فعل در جمله پایه و جمله پیرو همزمان است (ولی این زمان هیچگاه زمان حال نیست)

با **bevor**: زمان فعل در جمله پایه مضارع یا ماضی نقلی ماضی مطلق  
 زمان فعل در جمله پیرو مضارع (زمان حال) ماضی مطلق

۳- خلاصه مبحث ساختمان جمله های مستقل

مفعول باواسطه = **DAT. E.** مفعول بیواسطه = **AKK. E.** مکمل فاعلی (فاعل) = **NOM. E.** مکمل

در جمله خبری معمولی فاعل در مکان اول جمله و فعل در مکان دوم آن قرار میگیرد.

فاعل	<b>Verb</b>	
Mein Auto	ist	weg.

همچنین در جمله های پرسشی که با یکی از کلمات پرسش (مانند ضمیر پرسشی) ساخته میشوند فعل در مکان دوم جمله قرار میگیرد و فاعل پس از فعل میآید.

	<b>Verb</b>	فاعل	مفعول بیواسطه
Warum	sagen	Sie	das?
Wie	bekomme	ich	mein Auto jetzt wieder?

بعضی کلمات مانند **natürlich, schließlich** هستند که چون بر سر جمله ای درآیند فاعل پس از فعل قرار میگیرد. همچنین است در جملاتی که برای تاکید روی یکی از کلمات، آن کلمه را در ابتدای جمله قرار میدهیم.

	<b>Verb</b>	فاعل	
Natürlich	bin	ich	ganz sicher.
Schließlich	bin	ich	ja nicht blind.
Das	glaube	ich	nicht.

۲- قرار گرفتن فعل در مکان اول جمله

در جمله های پرسشی که بدون کلمه پرسش ساخته میشوند فعل در ابتدای جمله (مکان اول جمله) قرار میگیرد. همچنین است در مورد جمله هایی که در آنها انجام کاری از کسی خواسته میشود یعنی در جمله امری.

<b>Verb</b>	فاعل	
Sind	Sie	ganz sicher?
Überlegen	Sie	mal!

۳- جمله محاط در فعل / افعال پیشوندی / جزء پیوندی

الف- در مورد افعال پیشوندی منفصل (یعنی فعلی که از یک ماده اصلی فعل و یک جزء پیوندی جدا شونده تشکیل شده) قاعده اینست که در صیغه مضارع جزء پیوندی جدا شده و در انتهای جمله قرار میگیرد.

ب- در صیغه ماضی نقلی اسم مفعول فعل در انتهای جمله قرار میگیرد.

پ- در جمله هایی که دارای فعل معین وصفی (بصورت فعل کمکی) هستند فعل دوم بصورت مصدر در انتهای جمله قرار میگیرد.

	Verb <sub>1</sub>		Verb <sub>2</sub> /	جزء پیوندی
a) Ich	hole	meine Frau		ab.
b) Ich	habe	meine Frau	abgeholt.	
c) Ich	möchte	meine Frau	abholen.	

#### ۴- افعال دارای مفعول بیواسطه و باواسطه

- الف- معمولاً مفعول های جمله بعد از فعل میآیند مگر در حالتی که بخواهیم مفعول را مورد تأکید قرار دهیم که در اینصورت مفعول در ابتدای جمله میآید. این امر در مورد مفعول بیواسطه بکرات پیش میآید: **Das glaube ich**
- ب- اگر هر دو مفعول اسم (دستوری) باشد ابتدا مفعول باواسطه و سپس مفعول بیواسطه میآید.
- پ- اگر یکی از مفعولها ضمیر و دیگری اسم (دستوری) باشد ابتدا ضمیر و سپس اسم میآید.
- ت- اگر هر دو مفعول ضمیر باشد ابتدا مفعول بیواسطه و سپس مفعول باواسطه میآید.

فاعل	Verb	مفعول باواسطه	مفعول بیواسطه
b) Er	zeigt	dem Mann	das Halteverbot.
c) Er	zeigt	ihm	das Halteverbot.
		مفعول بیواسطه	مفعول باواسطه
d) Er	zeigt	es	ihm.

#### ۵- سایر مکمل ها

- سایر مکمل ها، یعنی کلمات دیگر جمله که برای کامل کردن معنی فعل میآیند معمولاً پس از مفعولهای فوق الذکر (و قبل از فعل دوم یا جزء پیوندی فعل) میآیند که از جمله اند:
- الف- قید زمان یا قید مکان **wann? -am Samstag, wo? -in Berlin**
- ب- مقصد **wohin? -nach Berlin**
- پ- فعل دارای حرف اضافه ثابت مانند: **helfen bei**

فاعل	Verb <sub>1</sub>	مفعول باواسطه	E.... مفعول بیواسطه	Verb <sub>2</sub>
a) Er	schreibt	ihnen	einen Brief	aus Berlin.
Er	hat	ihnen	einen Brief	aus Berlin
b) Er	schreibt	ihnen	einen Brief	nach Hause.
c) Er	hilft	ihm		bei seiner Arbeit.
				geschrieben.

#### ۶- کلمات توضیحی

کلمات توضیحی اضافه بر کلمات اصلی جمله مکان معینی در جمله ندارند و معمولاً پس از فاعل و مفعول های بیواسطه و باواسطه میآیند و در خیلی موارد هم در ابتدای جمله قرار میگیرند.

Er möchte eine Freundin **in Brüssel** besuchen.  
 Er hat **dort** einen Termin.  
 Ex ist **damals** verschwunden.  
**Am Montag** müssen wir wieder arbeiten.  
**Vielleicht** war Ex bei Andreas nicht glücklich.

ب - اقسام کلمه

فعل

۱- صیغه مستقبل (زمان آینده) فعل

صیغه مستقبل فعل با استفاده از فعل *werden* بصورت فعل کمکی و مصدر فعل اصلی ساخته میشود. فعل *werden* در این موارد شبیه به افعال معین وصفی است و دو نقش دارد:  
 الف - دلالت بر وقوع فعل اصلی در زمان آینده دارد.  
 ب - دلالت بر حدس و احتمال دارد.

	<b>Verb<sub>1</sub></b>		<b>Verb<sub>2</sub></b>	
Da So eine Szene	werde wird	ich mehr Geld es bald nicht mehr	verdienen. geben.	

<b>werden:</b> مصدر				
	مفرد		جمع	
اول شخص	ich	werde	wir	werden
دوم شخص دوستانه	du	wirst	ihr	werdet
محترمانه	Sie	werden	Sie	werden
سوم شخص	er/sie	wird	sie	werden

۲- صیغه ماضی مطلق افعال با قاعده

الف- موارد بکاربری

صیغه ماضی مطلق فعل مانند صیغه ماضی نقلی برای شرح وقایعی که در زمان گذشته صورت گرفته است بکار میرود. صیغه ماضی مطلق وقتی بکار میرود که ماجرای مربوطه مسبق به گذشته نسبتاً طولانی است و شخص تعریف کننده نسبت به آن ماجرا فاصله بیشتری دارد و بعبارت دیگر واقعه ای درگذشته صورت گرفته و تمام شده است.

ب - طرز ساختن

برای ساختن صیغه ماضی مطلق به ماده فعل (مصدر مَرخَم) حرف **-t** اضافه میشود (اگر ماده فعل (مصدر مَرخَم) به **-t** یا **-d** ختم شود به آن **-et** افزوده میشود).

شناسه	علامت ماضی مطلق	ماده فعل (مصدر مَرخَم) ۱	مصدر
-e	-t-	hör-	hören
-e	-et-	arbeit-	arbeiten
-e	-et-	red-	reden

Also: ich/er **hörte**, ich/er **arbeitete**, ich/er **redete**

شناسه های صیغه ماضی مطلق فعل همان شناسه های صیغه مضارع است. فقط در سوم شخص مفرد که شناسه آن در صیغه مضارع -t- است (**er hört**). در صیغه ماضی مطلق شناسه آن **-te** است (**er hörte**) تا صیغه ماضی مطلق با صیغه مضارع مشتبه نشود.

صیغه مضارع: **Sie hört** صیغه ماضی مطلق: **Sie hörte**

مضارع	ماضی مطلق
مفرد	
اول شخص دوم شخص دوستانه محترمانه سوم شخص	ich höre / <b>hörte</b> du hörst / <b>hörtest</b> Sie hören / <b>hörten</b> er/sie hört / <b>hörte</b> ich arbeite / <b>arbeitete</b> du arbeitest / <b>arbeitetest</b> Sie arbeiten / <b>arbeiteten</b> er/sie arbeitet / <b>arbeitete</b>
جمع	
اول شخص دوم شخص دوستانه محترمانه سوم شخص	wir hören / <b>hörten</b> ihr hört / <b>hörtet</b> Sie hören / <b>hörten</b> sie hören / <b>hörten</b> wir arbeiten / <b>arbeiteten</b> ihr arbeitet / <b>arbeitetet</b> Sie arbeiten / <b>arbeiteten</b> sie arbeiten / <b>arbeiteten</b>

### ۲- صیغه ماضی مطلق افعال معین وصفی

برای شرح وقایعی که در زمان گذشته اتفاق افتاده اند از صیغه های ماضی مطلق و ماضی نقلی فعل استفاده میکنیم. افعال معین وصفی تقریباً همیشه در صیغه ماضی مطلق و به ندرت در صیغه ماضی نقلی بکار میروند.

#### الف- طرز ساختن صیغه ماضی مطلق افعال معین وصفی

صیغه ماضی مطلق افعال معین وصفی مانند افعال با قاعده است یعنی به ماده فعل (مصدر مرخم) -t- اضافه میشود که علامت ماضی مطلق است. پس از -t- شناسه های معمولی صرف فعل میآید.

شناسه	علامت ماضی مطلق	ماده فعل	مصدر
-e, -est, -et, -en	- t -	woll -	wollen

Also: ich **wollte**, du **wolltest** ...

۱- ماده فعل که در کتابهای قدیمی تر دستور زبان مصدر مرخم خوانده میشود مصدری است که از آن علامت مصدری (در زبان آلمانی -en) برداشته شده باشد.



ماضی مطلق				
	مفرد		جمع	
اول شخص	ich	wollte	wir	wollten
دوم شخص دوستانه	du	wolltest	ihr	wolltet
محترمانه	Sie	wollten	Sie	wollten
سوم شخص	er/sie	wollte	sie	wollten

در مورد افعال معین وصفی که در مصدر آنها حرف صدادار (مصوت) تغییر صدا گرفته، قاعده چنین است که در صیغه ماضی مطلق این تغییر صدا برداشته میشود.

können: ich konnte, dürfen: ich durfte, müssen: ich mußte, mögen: ich mochte

ب - ساختمان جمله با افعال معین وصفی  
چنانچه افعال معین وصفی بصورت فعل کمکی (Verb<sub>1</sub>) بکار روند احتیاج به يك فعل دوم یا فعل اصلی (Verb<sub>2</sub>) دارند. این فعل دوم همیشه بصورت مصدر در انتهای جمله قرار میگیرد.

	Verb <sub>1</sub>		Verb <sub>2</sub>	
Niemand	konnte	uns	sehen.	
Wir	wollten	unsichtbar	bleiben.	
Das	solltest	du selbst	entscheiden.	
Warum	durfte	euch niemand	sehen?	

۴- صیغه ماضی مطلق افعال بیقاعده

حرف صدادار (مصوت) افعال بیقاعده در صیغه ماضی مطلق تبدیل به حرف یا حروف با صدای دیگر میشود.

geben – gab, kommen – kam, sehen – sah, einfallen – fiel ein

برای این تغییر حرف صدادار قاعده ثابتی وجود ندارد و باید صیغه ماضی این افعال را با خود آنها آموخت. بهترین کار اینست که از هر فعل سه صورت آن را یکجا یاد گرفت که عبارتند از:

مصدر	ماضی مطلق	اسم مفعول
kommen	kam	gekommen

در آخر کتاب فهرستی از کلیه افعال بخش های اول و دوم و سوم این درسها و هر سه صورت فوق الذکر این افعال درج شده است.

صیغه ماضی مطلق افعال بیقاعده در اول شخص و سوم شخص مفرد شناسه نمیگیرد. شناسه سایر اشخاص مانند شناسه های صیغه مضارع فعل است.

ماضی مطلق		
	مفرد	جمع
اول شخص	ich kam	wir kamen
دوم شخص دوستانه	du kamst	ihr kamt
محترمانه	Sie kamen	Sie kamen
سوم شخص	er/sie kam	sie kamen

صیغه ماضی مطلق سه فعل زیر استثنائی است:

gehen	er ging
tun	er tat
stehen	er stand

#### ۵- افعال دارای حرف اضافه ثابت

بعضی افعال حرف اضافه ثابت و مشخصی دارند که همیشه همراه آن می‌آیند. مفعول این افعال تابع حرف اضافه است که بعضی از آنها مفعول باواسطه میگیرند و بعضی دیگر مفعول بیواسطه. این ترکیب خاص فعل و حرف اضافه و معنی مشترک آنها را باید یاد گرفت و به خاطر سپرد.

- berichten von** + dat.: Das Lied berichtet von den Taten von Mackie Messer.  
**denken an** + acc.: Er denkt an eine Arbeit beim Rundfunk.  
**es geht um** + acc.: Es geht um einen einfachen Straßenhändler.  
**handeln von** + dat.: Die Geschichte handelt von Räufern.  
**helfen bei** + dat.: Er kann ihm bei seiner Arbeit helfen.  
**hoffen auf** + acc.: Andreas hofft auf kleine Aufträge.  
**Probleme haben mit** + dat.: Er hat Probleme mit dem Computer.  
**sprechen mit** + dat.: Andreas muß mit seiner Chefin sprechen.  
**überzeugt sein von** + dat.: Er ist von der Heilung durch die Natur überzeugt.

#### صفات

##### ۱- صرف صفت

صفت هرگاه بعد از اسم بیاید صرف می‌شود و تغییری در آن بوجود نمی‌آید. ولی در زبان آلمانی هرگاه صفت مقدم بر اسم بیاید صرف می‌شود و خاتمه های صرفی مختلف میگیرد. خاتمه های صرفی صفت نسبت به حرف تعریف ماقبل خود و جنسیت و تعداد (مفرد یا جمع بودن) اسم مابعد خود فرق می‌کنند. این خاتمه های صرفی را باید آموخت و به خاطر سپرد

خاتمه های صرفی صفت مابعد حرف تعریف معین ( *der/die/das...* )

مفرد				جمع
		مذکر	خنثی	مؤنث
حالت فاعلی	-e	-e	-e	} همیشه -en
مفعول بیواسطه	-en	-e	-e	
مفعول باواسطه	-en	-en	-en	

حالت فاعلی	مفعول بیواسطه	مفعول باواسطه
<b>der</b> alte Bahnhof	<b>den</b> alten Bahnhof	auf <b>dem</b> alten Bahnhof
<b>die</b> alte Klinik	<b>die</b> alte Klinik	in <b>der</b> alten Klinik
<b>das</b> alte Haus	<b>das</b> alte Haus	in <b>dem</b> alten Haus
حالت فاعلی و مفعول بیواسطه	<b>die</b> alten Bahnhöfe, Kliniken, Häuser	
مفعول باواسطه جمع	mit <b>den</b> alten Bahnhöfen, Kliniken, Häusern	

خاتمه های صرفی صفت مابعد حرف تعریف نامعین ( *ein/ eine/...* )

مفرد			جمع	
	مذکر	خنثی	مؤنث	
حالت فاعلی	-er	-es	-e	} همیشه -e
مفعول بیواسطه	-en	-es	-e	
مفعول باواسطه	-en	-en	-en	همیشه -en

حالت فاعلی	مفعول بیواسطه	مفعول باواسطه
<b>ein</b> alter Bahnhof	<b>einen</b> alten Bahnhof	auf <b>einem</b> alten Bahnhof
<b>eine</b> alte Klinik	<b>eine</b> alte Klinik	in <b>einer</b> alten Klinik
<b>ein</b> altes Haus	<b>ein</b> altes Haus	in <b>einem</b> alten Haus
حالت فاعلی و مفعول بیواسطه	die alte Bahnhöfe, Kliniken, Häuser	
مفعول باواسطه جمع	mit <b>den</b> alten Bahnhöfen, Kliniken, Häusern	

۲- مقایسه صفت با *wie*

هرگاه دو اسم دارای صفت مشابه باشند برای بیان این مقایسه، صفت مشترک (بدون اسم مابعد آن) بدون خاتمه صرفی و پس از آن *wie* میآید:

طرز بیان محاوره ای  
طرز صحیح

*Ex ist neugierig wie die Frau vom Schneider.*  
*Ex ist so neugierig wie die Frau vom Schneider.*

بعضی از صفات از کلمات دیگر مشتق میشوند و برای اینکار پسوندهائی میگیرند از این قبیل:

<i>nom</i> + <b>-lich</b> :	<i>der Freund</i> + <b>-lich</b> <i>das Glück</i> + <b>-lich</b>	= <i>freundlich</i> = <i>glücklich</i>
<i>nom</i> + <b>-ig</b> :	<i>die Neugier</i> + <b>-ig</b> <i>die Trauer</i> + <b>-ig</b>	= <i>neugierig</i> = <i>traurig</i>
<i>verbe</i> + <b>-bar</b> :	<i>lernen</i> + <b>-bar</b> <i>sehen</i> + <b>-bar</b>	= <i>lernbar</i> = <i>sichtbar / unsichtbar</i>

– **isch**: *komisch, phantastisch, praktisch, französisch*

– **sam**: *seltsam*

ضمیر نامعین (حرف تعریف نامعین جانشین ضمیر)

حروف تعریف را میتوان مانند ضمیر و بجای آن بکار برد. در اینصورت بعد از آن اسمی نیاید:

*Möchtest du einen Wein? Ja, ich möchte einen.*

حرف تعریف معین و ضمیر معین (یعنی حرف تعریف معینی که جانشین ضمیر شده) از نظر شکل ظاهر کلمه فرقی با هم ندارند. در مورد حرف تعریف و ضمیر نامعین (یعنی حرف تعریف نامعینی که جانشین ضمیر شده) نیز اغلب همینطور است بااستثناء سه مورد:

الف- ضمیر نامعینی که جانشین حرف تعریف نامعین خنثی یعنی **ein** و اسم مربوطه میشود در حالت فاعلی و مفعولی بیواسطه **eins** است. در واقع ضمیر نامعین **s** را از حرف تعریف معین اسم میگیرد.

<i>das Geschenk</i> :	Hier ist ein Geschenk für dich.
<i>eins</i>	Ich habe auch noch <b>eins</b> .

ب- ضمیر نامعینی که جانشین حرف تعریف نامعین مذکر یعنی **ein** و اسم مربوطه میشود در حالت فاعلی و مفعولی بیواسطه **einer** است. در واقع ضمیر نامعین **t** را از حرف تعریف معین اسم میگیرد.

<i>der Teller</i> :	Hier ist noch ein Teller.
<i>einer</i>	Hier ist auch noch einer.

پ- ضمیر معینی که جانشین حرف تعریف معین جمع یعنی **die** و اسم مربوطه میشود در حالت فاعلی و مفعولی بیواسطه **welche** است.

( <i>die</i> ) <i>Teller</i> :	Hier sind noch <b>welche</b> . Es gibt noch <b>welche</b> .
--------------------------------	---

حالت فاعلی		
مذکر	خنثی	مؤنث
Da steht ein Teller. Da steht <b>einer</b> . Da steht <b>keiner</b> .	Da steht ein Glas. Da steht <b>eins</b> . Da steht <b>keins</b> .	Da ist eine Serviette. Da ist <b>eine</b> . Da ist <b>keine</b> .
-----		
Da stehen <b>welche</b> .	Da stehen <b>welche</b> .	Da sind <b>welche</b> .
مفعول بیواسطه		
مذکر	خنثی	مؤنث
Ich habe einen Teller. Ich habe <b>einen</b> . Ich habe <b>keinen</b> .	Ich habe ein Glas. Ich habe <b>eins</b> . Ich habe <b>keins</b> .	Ich habe eine Serviette. Ich habe <b>eine</b> . Ich habe <b>keine</b> .
-----		
Ich habe <b>welche</b> .	Ich habe <b>welche</b> .	Ich habe <b>welche</b> .

### کلمه پرسش *welch-*

کلمه پرسش *welch-* برحسب اسمی که بعد از آن میآید خاتمه های صرفی مختلف میگیرد این خاتمه های صرفی مشابه با خاتمه های صرفی صفت بعد از حرف تعریف نامعین است.

	مذکر	مؤنث	خنثی
حالت فاعلی	Welcher Dichter ...?	Welche Kirche ...?	Welches Auto...?
مفعول بیواسطه	Welchen Dichter ...?	Welche Kirche ...?	Welches Auto...?
-----			
جمع همیشه <b>e-</b> : Welche Dichter, Kirchen, Autos ...?			

### حروف اضافه

مثالهای زیر از متن درسها برداشته شده و بدینجهت فقط در همین مورد استفاده و در همین معنی ذکر شده است.

*durch* همیشه با مفعول بیواسطه +

*neben* با مفعول باواسطه +

(و نیز با مفعول بیواسطه)

*über* با مفعول بیواسطه (و نیز باواسطه)

مفعول باواسطه + *nach* مفعول باواسطه +

*von ... zu* مفعول باواسطه +

*wegen* مفعول باواسطه +

Das ist eine schöne Tour durch Berlin.  
neben den Niederlanden

Wir fahren über den Rhein.  
von Westen nach Osten  
eine Fahrt vom Zoo zum Alex  
wegen Bello (wegen dem Hund)